

تعیین مفهوم تبعیض نژادی در قرآن بر مبنای تفسیر استنباطی

سید مصطفی مکارم^۱

چکیده

مفهوم نژادپرستی با معادل Racism که به آن تبعیض نژادی با معادل Racial discrimination نیز گفته می‌شود، نوعی تبعیض است که متمرکز بر تفاوت‌های نژادی حاصل از تفاوت‌های ظاهری جسمی و فیزیکی است. این مقاله ابتدا با بیرون کشیدن این مفهوم از آیات قرآن و با رویکرد کیفی تحلیلی - توصیفی و با روش تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن، درصدد پاسخ به این پرسش است که: «از نظر قرآن، تبعیض نژادی چگونه تعریف می‌شود؟» و سپس این پاسخ را با تعریف غربی آن مقایسه می‌کند و زمینه‌های اتحاد و اختلاف این دو نظر را با یکدیگر بیان می‌نماید. نتیجه به دست آمده این که، دیدگاه قرآن در مورد تبعیض نژادی با نگاه غربی - از این نظر که هر دو معتقد به عدم تبعیض در مورد انسان‌ها هستند، - همسوست و آن را مردود می‌داند؛ زیرا این نوع تبعیض، انسان‌ها را بر اساس مؤلفه‌ای دسته‌بندی می‌نماید که خود نقشی در آن نداشته‌اند و قادر به تغییر آن مؤلفه نیز نخواهند بود.

کلیدواژه‌ها: تبعیض نژادی، قرآن، نژادپرستی، تفسیر استنباطی.



*. تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۲۲.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه قرآن و حدیث (mexcast@chmail.ir)

۱. مقدمه

«ریشه‌های نژادپرستی در عصر جدید به قرن نوزدهم و به نظریات کنت دوگوبینو نویسنده فرانسوی می‌رسد که این نظریات را در ۱۸۵۳ م، منتشر کرد. در قرن بیستم، بزرگ‌ترین حامی نژادگرایی، هاستن استوارت چیمبرلین نویسنده آلمانی انگلیسی‌تبار بوده است. در تاریخ، نژادپرستی، نیروی محرکه‌ای برای تجارت برده و روش حکومتی آپارتاید در قرن نوزدهم، در آمریکا و در قرن بیستم در آفریقای جنوبی بود» (تابناک امروز، بی‌تا: نژادپرستی). در جامعه جهانی، امروزه همه کشورها به مقابله با نژادپرستی و تبعیض نژادی - حداقل در ظاهر - پرداخته‌اند و آن را امری مذموم می‌شمارند. گستره مبارزه با تبعیض نژادی و نژادپرستی به حدی رسیده است که کشورهای متخاصم برای تحت فشار قراردادن و بدنام کردن یکدیگر، طرف مقابل را نژادپرست خطاب می‌کنند تا بتوانند حمایت جهانی را برای خود به‌دست آورند و دیگران را نزد افکار عمومی محکوم کنند. از سوی دیگر با وجود آن‌که دین مرفعی اسلام از همان ابتدا با تفکر برتری نژادی بر مبنای ملاک‌های مادی به مخالفت برخاسته است و تنها ملاک برتری را تقوا می‌داند، مطالب و تحقیقات فراوانی از میان متون دینی آن درخصوص این مسئله استخراج نشده است و در نتیجه، پرسش‌های مورد نظر دنیای امروز بی‌پاسخ مانده است. همچنین به این پرسش پاسخ داده نشده است که آیا تبعیض نژادی در همه زمینه‌ها در نگاه قرآن مردود است یا اقسامی از آن مورد تأیید و تأکید اسلام است؟! برای مثال، آیا نژادی قابلیت تبعیض و جداسازی از بقیه نژادها دارد یا خیر و به چه دلیل؟

۱-۱. پیشینه پژوهش

در مورد تبعیض نژادی و ماهیت آن از نظر قرآن، تنها یک تحقیق با عنوان «راهبردهای قرآن در مقابله با تبعیض نژادی» یافت شد که به بیان راهکارهای مقابله با آن از طرف قرآن می‌پردازد و صحبتی از چیستی و انواع آن نمی‌کند. مقاله دیگری نیز تحت عنوان «واکاوی مفهوم تبعیض نژادی و راهبردهای مقابله با آن بر مبنای فرمایشات حضرت علی (ع)» وجود دارد که اولاً به صورت بسیار مختصر به مفهوم و ماهیت تبعیض نژادی می‌پردازد و بیشتر بر راهبردها و راهکارها برای مقابله با آن متمرکز شده است و ثانیاً به طور مستقیم از الفاظ

آیات قرآن نیست؛ هر چند امیر المؤمنین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام از قرآن در سخنانشان بسیار استفاده می‌کنند.

۱-۲. روش پژوهش

این پژوهش ضمن پرداختن به میزان کاربرد روایی واژه استنطاق به طور کلی و نیز استنطاق قرآن، با اشاره به نظریه شهید صدر در تفسیر موضوعی، مسائل مرتبط را با روش تحلیلی - توصیفی مورد بررسی قرار می‌دهد. گردآوری اطلاعات به روش کتابخانه‌ای و متن‌محوری بوده و عمده این تحقیق، قرآن و تحقیقات صورت گرفته در مورد تبعیض نژادی بوده است. روش تفسیری به کاررفته در این تحقیق، روش تفسیر اجتهادی قرآن به قرآن است؛ توضیح این‌که اگر موضوع و مسئله از تجربیات بشری و علوم انسانی و تئوری‌ها و مکاتب گرفته شده باشد و هدف، عرضه این موضوعات و مسائل بر قرآن و یافتن پاسخ قرآن به آن‌ها باشد در این‌صورت روش تفسیر موضوعی، استنطاقی است (ر.ک: قاضی‌زاده، ۱۳۹۶: ۱۹). موضوع‌های میان‌رشته‌ای همچون: اقتصاد مقاومتی در قرآن، نظام مهندسی فرهنگی در قرآن، دیپلماسی عمومی در قرآن، بایسته‌ها و مبانی گردشگری اسلامی در قرآن و نظایر آن‌ها از این نوع تحقیق‌های استنطاقی هستند.

در روش استنطاقی به دلیل این‌که موضوع از خارج از قرآن بر قرآن عرضه می‌شود، لذا بدیهی است که دلالت‌های منطوقی آیات بر موضوع بحث یا موجود نیست و یا در حداقل ممکن است؛ لذا توجه به سایر دلالت‌های مورد قبول در تفسیر قرآن حائز اهمیت است. دلالت‌های مختلفی همچون: دلالت عقلی، دلالت‌های وضعی شامل تطابقی، تضمینی و التزامی، دلالت اقتضاء، دلالت تنبیه و اشاره و بقیه دلالت‌های التزامی کلام از این جمله هستند. استفاده از این دلالت‌ها در تفسیر استنطاقی جزو ارکان روش تفسیری است؛ زیرا اگر فقط مدلول‌های منطوقی آیات مورد توجه باشد، هرگونه تحقیقی که موضوع آن خارج از قرآن باشد، در قرآن غیر ممکن می‌گردد. در این تحقیق نیز در فهم آیات و دلالت معانی آیات بر ماهیت تبعیض نژادی، توجه به این دلالت‌ها شده است و پژوهشگر خود را ملتزم دانسته که در فهم معانی ضمن بهره بردن از این دلالت‌ها، پا را از آن فراتر نگذاشته و از اسلوب محاوره‌ای عقلا و اصول عقلی در فهم کلام خداوند تبعیت کند. در روش استنطاقی ابتدا سؤالات در مورد موضوع مورد بحث از خارج از قرآن بر قرآن عرضه می‌شود و سپس دیدگاه قرآن در مورد آن



سؤال دریافت می‌شود و در نهایت، با کنار هم قرار دادن این جواب‌ها، نظریه قرآن در مورد موضوع عرضه شده بر آن، به‌دست خواهد آمد.

«به نطق آوردن کلام الهی» یعنی حضور جدی قرآن در جوامع بشری، و حل معضلات و دغدغه‌ها، و ایفای نقش استنطاق به معنای «عرضه سؤالات به قرآن و دریافت پاسخ»، امری فراتر از تفسیر ترتیبی، تفسیر قرآن به قرآن، و تأویل قرآن است و با آن‌ها تفاوت ماهوی دارد؛ چه، این تعامل‌ها از متن قرآن آغاز می‌شود ولی شروع استنطاق، از متن جامعه و مشکلات آن است. با این وجود، تفسیر به رای نیز نیست؛ زیرا مستنطق با سؤال به سراغ قرآن می‌رود، نه با جواب. از سوی دیگر، اگرچه سطح اعلاي استنطاق، خاص اهل بیت علیهم‌السلام است، ولی به دلایل متعدد، استنطاق از قرآن به صورت کلی، منحصر در ایشان نیست.

۱- ۳. اهداف پژوهش

در تعریف مشهور از تبعیض نژادی - که به تفاوت قائل شدن برای نژاد یا گروهی از انسان‌ها گفته شده است -، مشاهده می‌شود که اطلاق موجود در این تعریف، همه‌گونه تبعیضی را در بر می‌گیرد و آن را منفی می‌شمارد؛ اعم از این‌که ممکن است این تبعیض از نظر دین، مثبت و درست باشد یا غلط. هدف از این پژوهش، پاسخ به این سؤال است که: آیا در تعریف تبعیض نژادی، قید مطابقت با رضایت الهی وجود دارد و تبعیض مطلوب هم وجود دارد و یا این‌که این تعریف از نظر قرآن نیز مطلق است و هر نوع تبعیضی، منفی است؟ بدیهی است که جواب این سؤال به صورت صریح در قرآن موجود نیست؛ زیرا سؤال در مورد موضوعی است که اساساً در قرآن در مورد آن به صراحت سخنی به میان نیامده است و اصطلاحاً موضوع، برون‌قرآنی است. این‌جاست که روش استنطاقی بیان می‌دارد که سؤال را باید بر قرآن عرضه کرد و از جوابی که از آیات قرآن به هر یک از دلالت‌های مذکور به‌دست می‌آید استفاده نمود و آن را پاسخ سؤال محسوب کرد. برای مثال، آیه **﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَى وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾** (حجرات: ۱۳) بیان می‌دارد که گرامی‌ترین شما نزد خداوند، باتقواترین شماست؛ پس اگر گروهی باشند که تقوای الهی را به جا آورند، نزد خداوند گرامی‌اند. لذا این نتیجه به‌دست می‌آید که این برتر شمردن - که به واسطه تقوای الهی حاصل می‌شود -، مورد نظر و رضایت پروردگار و مطلوب است و حتی در قسمت اول آیه می‌توان

برداشت کرد که ویژگی‌های ظاهری، جنسیت، نژاد و مواردی از این دست، ملاک خداوند در برتر قرار دادن انسان‌ها نیست.

۲. تبعیض در لغت

واژه تبعیض در زبان فارسی به معنای «ترجیح بعض کسان بر بعض دیگر بدون مجوز مشروع و قانونی» است و «در تداول، گزیدن پاره‌ای و ترک و رد پاره‌های دیگر» (دهخدا، ۱۳۷۷: ۶۳۸۹/۴). در لغت عرب، بعض، کل شیء به معنای طائفه‌ای از آن (ر.ک: فراهیدی، ۱۴۰۹: ۲۸۳/۱) معنا شده است که به کل اضافه و نسبت داده می‌شود؛ چه این کل، خودش کلی باشد یا در ضمن اضافه شدن یا در ضمن تمام و مرکب بودن و چه این کل، مادی باشد یا معنوی و حاصل این که بعض، در امور کمی و نه کیفی به کار می‌رود (ر.ک: مصطفوی، ۱۳۸۵: ۳۲۵/۱). همان‌گونه هم که ابن‌فارس تصریح کرده است، ریشه معنایی این واژه، «تجزیه چیزی و هر طبقه و جزئی از آن چیز» (ابن‌فارس، ۱۴۰۴: ۲۶۹/۱) است و هم ایشان، تبعیض را این‌گونه معنا می‌کند: «فرق گذاشتن بین اجزای چیزی» و در زبان عرب، لفظ جزء نیز به همین معنا - با توجه به کل - استعمال می‌گردد چنان‌که راغب به آن تصریح دارد (ر.ک: اصفهانی، ۱۴۱۲: ۱۳۴) به گونه‌ای که برخی، تبعیض را به «چیزی را متمایز کردن» معنا کرده‌اند (فیومی، ۱۴۱۴: ۵۳/۲). در زبان انگلیسی، الفاظی همچون Discrimination و Prejudice که هم معنای تبعیض به کار می‌روند، در اصل معنایی خود، به معنای فرق‌گذاری و تفاوت قائل شدن بین چیزها یا پیش‌داوری است (Longman Dictionary of English, ۲۰۰۹: ۲۹۶ American).

۳. اصطلاح‌شناسی تبعیض

این تحقیق در پی آن است که اصطلاح تبعیض نژادی به درستی شناسایی شود. شاید بتوان برده‌داری توسط غرب را از زمینه‌های ایجادکننده مفهوم تبعیض نژادی به شکل امروزی آن دانست؛ به همین دلیل، تلاش می‌شود تا با توجه به وقوع جنبش‌های ضد تبعیض نژادی و مطالب مرتبط با آن، این اصطلاح از میان کلام غریبان بازشناسی شود و مفهوم آن روشن گردد. در تمام تعاریف، تبعیض نژادی زیرمجموعه تبعیض است.

۳-۱. اصطلاح تبعیض در علوم حقوقی

در اصطلاح حقوقی این واژه بار منفی به خود گرفته است و به رفتار غیرعادلانه و غیرمنصفانه

یک یا چند نفر از یک گروه خاص با دیگر مردم معنا می‌شود. تبعیض ممکن است غیرقانونی باشد که در رابطه با جنسیت، جهت‌گیری‌های جنسی، نژاد، دین، معلولیت و ملیت اعمال می‌شود. (Oxford dictionary Of Low ۲۰۰۳: ۱۵۴)

۲-۳. اصطلاح تبعیض در علوم جامعه‌شناسی

«در فرهنگ علوم اجتماعی، اصطلاح تبعیض، به نحوه برخورد نامطلوب با دسته‌های معینی از اشخاص در جهات و زمینه‌های تحکیم‌آمیز دلالت می‌کند. در این نوع کاربرد، به فرایند یا شکلی از کنترل اجتماعی اشاره می‌شود که برای حفظ فاصله اجتماعی میان دو یا چند دسته یا گروه از طریق اتخاذ شیوه‌هایی کم و بیش نهادی یا عقلانی شده سودمند است. شیوه‌های به‌کار گرفته‌شده متضمن اسناد خودسرانه صفت زبردستی در زمینه‌هایی است که ربط چندانی با رفتار حقیقی افراد مورد تبعیض ندارد، و غالباً با عقاید پذیرفته‌شده درباره عدالت و انصاف در تضاد است» (گولد و کولب، ۱۳۷۶: ۲۱۲). بری نیز تعریف بی‌طرفانه‌ای از این اصطلاح می‌آورد: «طرز برخورد اختلافی هماهنگ با افرادی که متعلق به دسته یا گروه خاصی تلقی می‌گردند». اما با بیان خود، به صورتی منفی به شرح موضوع می‌پردازد: «اقوام مسلط در همه جا به تدبیرهای گوناگونی متوسل شده‌اند تا گروه‌های نژادی و قومی را تحت سلطه خود قرار دهند. اصطلاحی که معمولاً به چنین شیوه‌هایی اطلاق می‌شود تبعیض است» (همان).

۳-۳. تعریف تبعیض از نگاه حقوق بشر

در تعریف تبعیض در یکی از نشریات سازمان ملل متحد آمده است: «تبعیض متضمن هرگونه رفتاری است که بر دلایل و موجباتی از نوع طبیعی یا اجتماعی مبتنی باشد؛ دلایل و موجباتی که نه با استعدادها یا شایستگی‌های فردی ارتباط دارند و نه با رفتار مشخص خود فرد» (همان).

۴. پیشینه تعریف تبعیض نژادی

اگرچه واژه «نژاد» در انتهای قرن پانزده وارد واژگان اروپایی شد، اما در قرن نوزدهم بود که به‌عنوان مقوله‌ای علمی به شمار آمد. فردریکسون معتقد است مفهوم مدرن نژاد که به‌وسیله ویژگی‌های فیزیکی (اول از همه، رنگ پوست) به‌عنوان انواع انسان، پایه طبقه‌بندی شد، تا قرن هجده اختراع نشده بود» (سعادت‌نیاکی، ۱۳۹۸: ۱۲۲).

کاربرد گسترده اصطلاح «تبعیض نژادی» به پایان جنگ دوم جهانی و پیدایش هراس و وحشت حاصل از تجربه تاریخی نازیسم بازمی‌گردد. اگرچه استفاده از این اصطلاح، جدید است، می‌توان در مطالعه‌های جامعه‌شناختی، سیاسی، فرهنگی، مردم‌شناختی و فلسفی به آثار اندیشمندان گذشته مراجعه کرد و از خلال متون به‌جای‌مانده، به تبیین دیدگاه‌های آنان در این زمینه پرداخت (ر.ک: همان).

۵. تعریف غرب از تبعیض نژادی

بروس کوئن، تبعیض نژادی را یکی از قدرتمندترین و مخرب‌ترین اشکال تبعیض می‌داند که برحسب آن، یک گروه نژادی خود را برتر از گروه‌های نژادی دیگر تلقی می‌کند (ر.ک: کوئن، ۳۴۹: ۱۳۸۰). میشل ویویورکا، جامعه‌شناس فرانسوی، در مقدمه کتاب *صحنه تبعیض نژادی*، این پدیده را متصل و پیوندیافته به دو منطق تحقیر و فرق‌گذاری می‌داند (ر.ک: Wiewiorka, xv: ۱۹۹۵). «به زبان ساده، فرق‌گذاری بین انسان‌ها همراه با تحقیر، منطق حاکم بر تبعیض نژادی است» (سعادت‌نیاکی، ۱۳۹۸: ۱۲۳). او همچنین در کتاب *نژادپرستی و مدرنیته* نتیجه می‌گیرد که تبعیض نژادی دارای هسته انسان‌شناختی سختی است که تحلیل‌های جامعه‌شناختی در مورد پیشروی و عقب‌گرد آن را در مقام تحقیقاتی جنبی قرار می‌دهد (ر.ک: جهانگللو، ۱۳۷۳: ۱۹۰). آنجلینا پراولا، معتقد است که رفتار نژادپرستانه با تزلزل و ازهم‌پاشیدگی روابط اجتماعی به حد عالی خود می‌رسد؛ زیرا خلای که جایگزین روابط اجتماعی می‌شود، برای حفظ بقای ایدئولوژیک خود، به مراجع اسطوره‌ای در حوزه هویت فرهنگی اشاره می‌کند. از نظر اتین بالییار، تبعیض نژادی پدیده‌ای مدرن و نتیجه برخورد مستقیم بین اقوام و نژادها در چارچوب یک اجتماع ملی است (ر.ک: همان: ۱۸۹). جرج فردریکسن، با تکیه بر روش جامعه‌شناختی وبری یعنی با توجه به «فرایند مدرن عقلی کردن سلطه سیاسی» به این نظر می‌رسد که برای کاهش دادن یا ازبین‌بردن نیروی تبعیض نژادی در اجتماع، باید روابط قدرت بین گروه‌های نژادی را تغییر داد (ر.ک: همان: ۱۸۸).

برخی همچون آلن تورن در کتاب *تبعیض نژادی و مدرنیته*، این مفهوم را «بیماری اجتماعی مدرنیته» توصیف می‌کند (ر.ک: همان: ۱۸۷) که به گفته ویویورکا، اگر مدرنیته به عنوان رویکردی فلسفی - تاریخی در نظر گرفته شود که در دوگانگی دو مرجع گاه متضاد و گاه همسان یعنی از یک سو عقل و پیشرفت و از سوی دیگر ذهنیت فرهنگی و هویت خلاصه

می‌شود، این نتیجه به‌دست می‌آید که پدیده مدرن تبعیض نژادی، ترکیبی از دو منطق نابرابری‌گرا و تفاوت‌گرا است (ر.ک: همان: ۱۸۶). «به گفته تورن، تبعیض نژادی، نتیجه چندگانگی فرهنگی و تفاوت بین فرهنگ‌ها نیست؛ زیرا تنها زمانی می‌توان از تبعیض نژادی سخن گفت که فرهنگی در مقابل فرهنگ‌های دیگر احساس خطر کند. به عبارت دیگر، تبعیض نژادی نتیجه از بین رفتن فواصل حفظ‌کننده بین دو فرهنگ و تجزیه فرهنگی در فرهنگ مسلط اجتماع است. از دیدگاه تورن، فقط دموکراسی قادر است از تسلط مطلق ایده‌های نژادپرستانه در اجتماع جلوگیری کند؛ لذا برای زنده نگاه‌داشتن دموکراسی، باید به اشکال گوناگون مبارزه اجتماعی، شکل نویی بخشید» (همان: ۱۸۷).

۶. مقایسه تعاریف غربی تبعیض نژادی با تبعیض نژادی از منظر قرآن

۶-۱. مدل قرآنی از تبعیض

در مدل غربی، عمدتاً تبعیض یک گروه یا فرد را بر فرد و جامعه مشاهده می‌کنیم که از سمت برتر با ملاک‌های مختلف به سمت پایین‌تر اعمال می‌شود. در واقع اندیشمندان و صاحب‌نظران غربی، نظری غالب دارند که هر نوع از تبعیض را منفی، و آن را میان انسان‌ها دانسته‌اند. یعنی اراده برتری را که فرای این دو گروه تبعیض‌قائل‌شونده و گروه مورد تبعیض باشد در تفکرات خود جای نداده‌اند.

از این دیدگاه، تعریف تبعیض نژادی، نوعی اعمال قدرت از گروهی خودبرترپندار است که همیشه دارای وجهه منفی است؛ اما یا جنبه مثبت ندارد یا تبعیض نژادی محسوب نمی‌شود؛ یعنی نمی‌توان فرد یا گروهی را بر فرد یا گروهی برتری داد بدون آن‌که از دید ناظران ثالث، جنبه مثبت داشته باشد و این برتری، جزء حق فرد یا گروه برتر شمرده شود. همچنین خداوند به عنوان خالق، در جایگاه اعمال تبعیض بر دیگران در نظر گرفته نشده است. در مدل قرآنی، خداوند تعیین می‌کند که چه فرد یا گروهی شایسته دریافت کرامت الهی است؛ اما این شایستگی، مجوز تبعیض را به او نمی‌دهد؛ در واقع، انسان با تقوا، با این‌که برتر از افراد بی‌تقوا نزد خداست، اما نه خود به تبعیض در امور دنیوی قائل است و نه خداوند چنین اجازه‌ای به او می‌دهد. پس فرق‌گذاری و برتر دانستن در این مدل، به معنای تبعیض قائل شدن نیست تا دیگران را از حقوق خودشان محروم نمایند و این کار را با برگزیده‌شدن از طرف خدا توجیه

نمایند؛ هر چند خداوند با علم بی‌انتهایش می‌داند که آنان در حقیقت نیز برترند.

اما این‌که چگونه احساس می‌شود که تبعیض در برخی آیات قرآن وجود دارد، قابل بررسی است: خداوند، قوم بنی‌اسرائیل را بر جهانیان برتری داد: ﴿يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (بقره: ۴۷) و همچنین در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (جاثیه: ۱۶)

این دو آیه بیان می‌کنند که اولاً خداوند و معیارهای اوست که تعیین‌کننده برتری قومی و نه نژادی بر دیگر اقوام است و ثانیاً می‌توان بین اقوام، یکی را بر دیگری رجحان داد؛ اما آیا این فضیلت، باید منجر به وضع حقوق و برتری دنیوی و امتیاز قائل شدن برای قوم بنی‌اسرائیل نسبت به دیگر اقوام شود یا این‌که آن‌ها نزد خداوند برترند و به همین خاطر، مشمول امداد، کمک‌های الهی و نصرت‌های غیبی می‌شوند؟ روشن است که قسمت دوم صحیح است؛ این نصرت‌ها آن‌ها را در جایگاه عاملان تبعیض بین خودشان و دیگر اقوام و محق به آن قرار نمی‌دهد.

۶-۲. تقوای الهی، مولفه اصلی تفاوت و نه تبعیض

همان‌طور که در آیه سیزده سوره حجرات اشاره شد، تقوای الهی باعث گرمی شدن جایگاه افراد و اقوام نزد خداوند است. پس مؤلفه اساسی برای ایجاد برتری مطلوب نزد خداوند، فارغ از هر نوع ویژگی ظاهری، با توجه به تعریف تقوا، انجام دادن واجبات و دوری از محرمات است؛ پس قومی که می‌خواهد مورد توجه خدا قرار گیرد، بایستی به اوامر الهی عمل کند و از نواهی او اجتناب نماید که در نتیجه خداوند نسبت به دیگران، برای آن قوم، برتری خاصی لحاظ می‌کند که در غیر آن‌ها، اعمال نمی‌کند؛ این اعمال برتری، به معنای تبعیض قائل شدن نیست؛ بلکه همه انسان‌ها قابلیت دریافت آن را دارند؛ به همین جهت، برتری‌جویی و اعمال تبعیض به خاطر آن، مورد نظر خدا نیست. در برخی از آیات قرآن آمده است که: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا﴾ (طلاق: ۲)، ﴿وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾ (طلاق: ۳) و همین‌طور ﴿وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَى آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (اعراف: ۹۶) که نشان می‌دهند رزق بدون حساب و برکات خداوند، نصیب متقین می‌شود؛ یعنی اگر قومی بنا بر تقوا داشته

باشند، خداوند با دادنِ روزی بی حساب و باز کردن باب برکت، آن‌ها را در دریافت نعمات الهی، برتر از دیگر اقوام قرار می‌دهد. همچنین قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا﴾ (آل عمران: ۱۲۰) که نشان می‌دهد تقوا باعث می‌شود تا مصونیت در برابر شرارت‌های دیگر اقوام ایجاد گردد که می‌تواند عامل بقای یک قوم باشد؛ البته این نعمات، مجوز ایجاد تبعیض برای قوم یا فرد برتر شمرده شده نیست.

۶-۳. عوامل الهی برتری، اختلاف با تعاریف غربی و اتحاد در نتیجه

اینکه خداوند تصمیم می‌گیرد که کدام قوم یا فرد بر دیگران برتری داشته باشند، تفاوتِ تفکر قرآنی با تفکر غربی است. در آیه سیزده سوره حجرات، عبارت «عند الله» به خوبی نشان می‌دهد که ملاک برتری و نه تبعیض قائل شدن، تنها توسط خداوند لحاظ می‌شود و انتهای آیه، علت آن را علیم و خبیر بودن پروردگار ذکر می‌کند؛ یعنی خداوندی که دانا و با خبر از ویژگی‌های یک قوم و نژاد است، با علم بی‌انتهایش، حکم به برتری و تبعیض دادن او بر دیگرانی می‌کند که صلاحیت ندارند.

به عبارت دیگر، هر چیزی که در جهت الهی باشد می‌تواند عامل برتری قرار بگیرد؛ اگر قومی همان ملاک الهی را داشته باشد و در جهت سنت‌های الهی حرکت کند، خداوند آن قوم را - همانند بنی اسرائیل - تا هنگامی که ملاک الهی را دارا هستند، برتر قرار می‌دهد.

قرآن کریم در آیات دیگری از پیامبرانش سخن می‌گوید: ﴿وَتِلْكَ حُجَّتُنَا آتَيْنَاهَا إِبْرَاهِيمَ عَلَى قَوْمِهِ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَنْ نَشَاءُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ﴾ (انعام: ۸۳) و خاطر نشان می‌سازد این خداست که حضرت ابراهیم را برتر از قومش قرار می‌دهد و نسل او را از نعمت هدایت بی‌واسطه بهره‌مند می‌گرداند: ﴿وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوحًا هَدَيْنَا مِنْ قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهِ دَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ وَأَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسَى وَهَارُونَ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ﴾ (انعام: ۸۴) ﴿وَزَكَرِيَّا وَيَحْيَى وَعِيسَى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ (انعام: ۸۵) ﴿وَإِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَّلْنَا عَلَى الْعَالَمِينَ﴾ (انعام: ۸۶) این آیات، نسلی از حضرت ابراهیم را نشان می‌دهد که خداوند از پیامبران قرار داد و این افتخار و برتری، شامل هر کس نمی‌شود و با اجابت دعای آن حضرت انجام گرفته است. همچنین خداوند، در آیه بعدی، تصریح به برگزیده شدن آن‌ها می‌نماید: ﴿وَمِنْ آبَائِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ وَإِخْوَانِهِمْ وَاجْتَبَيْنَاهُمْ وَهَدَيْنَاهُمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾ (انعام: ۸۷).

مطلب بعدی این که اگر برگزیدگان قومی و کسانی که از طرف خداوند، واجد شرایط پیامبری شناخته شده‌اند، به پایه‌های آیین الهی یعنی کتاب، حکم و نبوت، کافر شوند، خداوند، گروه دیگری را انتخاب می‌کند: ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنَّبُوءَةَ فَإِنْ يَكْفُرْ بِهَا هَؤُلَاءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوا بِكَافِرِينَ﴾ (انعام: ۸۹). این مسئله، خاطر نشان می‌کند که برتری از طرف خداوند، همیشگی و قطعی نیست و تا موقعی است که ملاک الهی را برآورده سازد؛ وگرنه این برتری در مورد قوم و افرادی دیگر لحاظ می‌گردد.

۶- ۴. اصالت تقرب و رضای خداوند در برابر اصالت نژادی

وقتی تعاریف غربی در مورد تبعیض نژادی مرور می‌گردد، آن‌ها همگی از نقش انسان‌ها یا گروه‌ها و اقوام و نژادهایی که خود را برتر دانسته و دیگران را مورد تبعیض قرار داده‌اند، یاد می‌کنند و همواره می‌گویند که انسان‌ها نمی‌توانند هموعان دیگر خود را به خاطر نژاد - مثلاً در مورد تبعیض نژادی -، مورد تبعیض قرار دهند و خودشان را برتر بدانند و در انتها نتیجه می‌گیرند که این تبعیض درست نیست و نباید وجود داشته باشد. قرآن نیز تبعیض نژادی و نژادپرستی را با دیدگاه منفی مطرح و آن را محکوم می‌کند و خداوند را از بین‌برنده آن معرفی می‌نماید و به اهل مورد ستم، برتری عطا می‌فرماید.

در قرآن کریم، خداوند می‌فرماید که فرعونیان، تبعیض نژادی را بر علیه بنی اسرائیل روا داشتند و نژاد خودشان را برتر از آنان پنداشتند: ﴿إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ طَائِفَةً مِنْهُمْ يَذِخُّ أبنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ﴾ (قصص: ۴)؛ اما اراده خداوند بر آن تحقق یافت که کسانی که به رهبری موسی و پروردگارش ایمان آوردند و مستضعف بودند، برتری قرار دهد: ﴿وَوَرِّدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ﴾ (قصص: ۵). خداوند در ادامه می‌فرماید که اوست که زمینه تمکّن و در نتیجه، برتری مستضعفان بنی اسرائیل را فراهم آورده و مایه پستی فرعونیان را مهیا ساخته است: ﴿وَنُمَكِّنْ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِي فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ﴾ (قصص: ۶). در حقیقت، قرآن کریم با استفاده از لفظ «علا» می‌فرماید که فرعونی که نژاد خود را برتر از نژاد بنی اسرائیل می‌دانست، توسط قدرت خداوند، به درجه پایین سقوط می‌کند و افراد ضعیف‌نگه‌داشته‌شده‌ای که اعمالشان مورد رضایت الهی است، برتر می‌شوند.

در مجموع آنچه به عنوان نتیجه می‌توان ذکر کرد این است که از دیدگاه قرآن، تبعیض نژادی همانند تعریف غرب، با خودبرترپنداری و در جهت استثمار و تسلط بر دیگران همراه است؛ درحالی‌که، مبانی اسلام و قرآن، خداپرتری را یادآور می‌شود و با برتری هر قوم با معیارهای تبعیض‌آمیز و بر اساس نژاد و دیگر مسائل مادی، مخالف است و با آن مبارزه می‌کند. حال، قومی که خداوند - با از بین بردن قوم گردنکش دیگر - به آن‌ها منزلت داده است، ناپستی از این موقعیت، سوء استفاده کند و خود را قوم و نژادی برتر بداند و تبعیض نژادی و قومی را اعمال نماید؛ زیرا این کار همانند همان کار قوم نابودشده قبلی است.

در واقع، برتر بودن نزد خداوند، نباید باعث جداسازی یک گروه دارنده آن در مقابل فاقد آن شود. برتر بودن، یک موهبت است؛ اما زمینه‌ساز دریافت امتیازات ویژه مادی نیست.

۶-۵. تبعیض قرآنی اعم از دین، قدرت، اصالت و عقیده

تعریف دیگری از تبعیض نژادی وجود دارد که آن را نتیجه نژادپرستی می‌داند؛ به این صورت که نژادپرستی، اعتقادی است که بر اساس آن، برخی گروه‌های انسانی با ویژگی‌ها و یا خصوصیات خاص نسبت به گروه‌های دیگر، برتر یا پست‌تر محسوب می‌شوند. رفتار نژادپرستانه، نه فقط ممکن است به صورت واضح و آشکار بروز نماید، مثل این که برخی‌ها را به خاطر نژاد یا رنگ پوستشان تهدید کنند، بلکه این رفتارها ممکن است گاهی پنهانی و نهفته باشد؛ مثل زمانی که یک جامعه به‌طور نظام‌مند با گروه‌های مختلف بر اساس شکلی از قضاوت تبعیض‌آمیز، رفتار می‌نماید. رفتار نژادپرستانه، اغلب منجر به تبعیض نژادی می‌شود که پیامدهای منفی واضحی دارد؛ گستره این رفتارها از غفلت ساده یا نادیده گرفتن افرادی که متفاوت و پست شمرده می‌شوند تا آشکال صریح‌تر آزار، استثمار یا محرومیت را شامل می‌شود (ر.ک: رضایی، ۱۳۸۴: ۷۷).

بر اساس این تعریف از تبعیض نژادی، می‌توان گفت هرگونه عامل تفاوت - مثلاً دین - میان افراد مختلف که جنبه نژادپرستی به خود بگیرد، عامل تبعیض محسوب می‌شود. غربی‌ها دین اسلام را به عنوان یک نژاد در نظر گرفته‌اند و به همین دلیل، اسلام به عنوان یک عامل تبعیض محسوب می‌شود؛ حقوق مسلمانان ساکن غرب، زیر پا گذاشته می‌شود و پدیده‌ای به نام اسلام‌هراسی و در نتیجه، اسلام‌ستیزی به وجود می‌آید (ر.ک: فضل‌خانی، ۱۳۹۶: ۱۳۱).

پس در این تعریف، قدرت برتر یک گروه در برابر گروه دیگر می‌تواند به تبعیض نژادی بینجامد؛ مثلاً یک طبقه سفیدپوست با داشتن قدرت از هر نوعی، امکان اعمال تبعیض را دارد و می‌توان آن را تبعیض نژادی نامید.

قرآن اتفاقاً دین اسلام را مایه اتحاد می‌داند که با وجود انبیای مختلف، یک دین را نزد خداوند معتبر می‌داند و به کار نبردن واژه ادیان، خود از ابتدا، زمینه هر نوع تبعیض بر مبنای دین و تبعیض دینی را از بین برده است: ﴿إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ﴾ (آل عمران: ۱۹).

همچنین برتری جویی بنی اسرائیل در کنار فساد آمده است که جنبه منفی آن را نشان می‌دهد و خاطر نشان می‌کند که تبعیض و برتری جویی با فساد همراه است: ﴿وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لُتْفُسِدَنَّ فِي الْأَرْضِ مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا﴾ (اسراء: ۴).

همچنین قرآن کریم از قول حضرت سلیمان می‌فرماید: ﴿قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ﴾ (ص: ۳۵) که در نتیجه آن درخواست، خداوند باد و جنیان را در تسخیر او قرار داد و فرمود: ﴿هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ﴾ (ص: ۳۹) تا به هر که می‌خواهد ببخشد یا دریغ کند. همچنین خداوند می‌فرماید: ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ (نمل: ۱۵) که فضیلت و برتری حضرت داوود و سلیمان بر بسیاری از بندگان مؤمن را یادآوری کرده است و در آیه بعد، از امتیازات و برتری‌های ایشان با عنوان «فضل مبین» نام می‌برد: ﴿وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ﴾ (نمل: ۱۶)؛ اما هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که این دو پیامبر خدا از این فضیلت و برتری‌ها، برای تبعیض نژادی و فرق‌گذاری بین خود و دیگران و بهره‌مندی از امتیازات ویژه مادی در جهت منافع خودشان استفاده کنند.

همچنین با توجه به آیه قرآن که می‌فرماید: ﴿فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ﴾ (تغابن: ۱۶) و در کنار آن قرار دادن آیه ﴿إِنْ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ اتَّقَاكُمْ﴾ (حجرات: ۱۳)، این نتیجه حاصل می‌شود که هر چه فرد یا گروهی، بیشتر تقوا را مراعات کند، گرامی‌تر است و در مرتبه بالاتری قرار می‌گیرد و نسبت به دیگران، شایستگی بیشتری برای مورد برتری قرار گرفتن نزد خداوند

دارد. پس می‌توان گفت که تبعیض نژادی، در هیچ کدام از موارد بالا مورد تأیید نیست.

۷. نتیجه‌گیری

هدف از این نوشتار، رسیدن به تعریف قرآن از تبعیض نژادی بود. به همین جهت، دیدگاه‌ها و نظریات اندیشمندان مختلف، بررسی گردید و در میان تعاریف متعدد، موضوع اساسی، مشخص و در قرآن، به روش تفسیر استنباطی، مورد پژوهش قرار گرفت و نقطه نظرات قرآن در مورد تبعیض نژادی کشف گردید. نتایج برداشتی، در موارد زیر قابل ارائه است:

۱. آنچه که در پژوهش مشخص شد این است که تبعیض نژادی از دیدگاه قرآن همانند نگاه غربی است که در هیچ‌کدام از این دو، تبعیض نژادی پذیرفته نیست.
۲. در مدل قرآنی، نقش رضایت خداوند به عنوان اصلی‌ترین عاملِ اِعمال برتری، به صورت ویژه، مشهود است؛ اما این برتری نبایستی منجر به ایجاد تبعیض گردد.
۳. برتری یک قوم یا فرد، نتیجه هر چیزی است که خداوند در صورت رضایت از آن، در مورد گروهی که در جهت ملاک‌های الهی - به طور مشخص، تقوا - حرکت کنند، اعمال می‌کند.
۴. تبعیض نژادی، آن طور که از تعاریف غربی بر می‌آید، پدیده‌ای نامطلوب است که بایستی حذف شود و به نظر قرآن، تبعیض نژادی و برتری قومی به صرف ویژگی‌های ظاهری در هیچ موردی صحیح نیست.
۵. برتری و برگزیده بودن نزد خداوند تا موقعی در مورد قومی خاص اِعمال می‌شود که آن قوم در جهت خواست الهی حرکت کنند، در غیر این صورت، خداوند عامل برتری آن‌ها بر دیگران را از میان بر می‌دارد و دیگران را بر آنان برتری می‌دهد.

منابع

* قرآن کریم.

۱. ابن فارس بن زکریا، ابوالحسن احمد، (۱۴۰۴ ق)، معجم مقاییس اللغة، تصحیح: عبدالسلام محمد هارون، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، اول.
۲. اصفهانی، حسین بن محمد راغب، (۱۴۱۲ ق)، مفردات الفاظ القرآن، تصحیح: صفوان عدنان داودی، بیروت: دارالعلم و دمشق: الدار الشامیه، اول.
۳. تابناک امروز، (بی تا)، نژادپرستی، تابناک، <https://tabnak.ir/fa/tags/۸۸۴۵/۱>.
۴. جهانگللو، رامین، (۱۳۷۳ ش)، «معرفی کتاب نژادپرستی و مدرنیته»، نشریه گفتگو، شماره ۳.
۵. دهخدا، علی اکبر، (۱۳۷۷ ش)، لغت نامه دهخدا، زیر نظر: محمد معین و دیگران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، دوم.
۶. سازمان ملل متحد، (۱۳۸۴ ش)، الفبای آموزش حقوق بشر، مترجم: سهراب رضایی، تهران: عابد، اول.
۷. سعادت نیازی، حمیدرضا و فتح طاهری، علی، (۱۳۹۸ ش)، «بررسی تبعیض نژادی در فلسفه کانت»، دوفصلنامه علمی - پژوهشی تأملات فلسفی، شماره ۲۲.
۸. فراهیدی، خلیل بن احمد، (۱۴۰۹ ق)، العین، تصحیح: مهدی مخزومی و دیگران، قم: نشر هجرت، دوم.
۹. فضلی خانی، اکرم، (۱۳۹۶ ش)، «بررسی حقوق اقلیت ها در غرب و ایران»، پژوهش نامه حقوق بشری، شماره ۷.
۱۰. فیومی، أحمد بن محمد مقری، (۱۴۱۴ ق)، المصباح المنیر فی غریب شرح الکبیر، قم: دار الهجرة، دوم.
۱۱. قاضی زاده کاظم، (۱۳۹۶ ش)، تفسیر موضوعی ۱، قم: مرکز آموزش الکترونیکی دانشگاه قرآن و حدیث، دوم.
۱۲. کوئن، بروس، (۱۳۸۰ ش)، مبانی جامعه شناسی، ترجمه: غلامعباس توسلی و دیگران، تهران: انتشارات سمت، دوازدهم.



۱۳. گولد، جولیس و دیگران، (۱۳۷۶ ش)، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه: مصطفی ازکیا و دیگران، تهران: انتشارات مازیار، اول.

۱۴. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۵ ش)، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، تهران: مرکز نشر آثار العلامة المصطفوی، اول.

۱۵. Fredrickson, G., (۲۰۰۳), *Racism: A Short History*, Princeton and Oxford: Princeton University Press.

۱۶. Mayor, Michael, *Longman Dictionary of American English*, (۲۰۰۹), Harlow: Pearson Education Limited, ۵th.

۱۷. Wieviorka, Michel, (۱۹۹۵), *The Arena of Racism*, Translated by: Chris Turner, London: Sage Publications Ltd.

